مدیریت استراتژیک چیست؟ مزایا و انواع آن

مدیریت استراتژیک عبارت است از برنامه‌ریزی، نظارت، تجزیه و تحلیل و ارزیابی مستمر تمامی نیازهای یک سازمان برای دستیابی به اهداف و مقاصد خود. تغییرات در محیط‌های کسب‌وکار، سازمان‌ها را ملزم می‌کند که استراتژی‌های موفقیت خود را به طور مداوم ارزیابی کنند. فرآیند مدیریت استراتژی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا وضعیت فعلی خود را ارزیابی کنند، استراتژی‌ها را به کار گیرند و اثربخشی استراتژی‌های مدیریت اجرا شده را تجزیه و تحلیل کنند. استراتژی‌های این نوع مدیریت شامل پنج استراتژی اساسی است و بسته به محیط اطراف می‌تواند در اجرا متفاوت باشد. مدیریت استراتژی هم برای پلتفرم‌های داخلی و هم برای موبایل اعمال می‌شود.

ویژگی‌های مدیریت استراتژیک

تعریف مأموریت و چشم‌انداز: مدیریت استراتژی شامل تعیین یک مأموریت و چشم‌انداز برای سازمان است. مأموریت هدف سازمان را مشخص می‌کند، در حالی که چشم‌انداز آرزوهای آن را بیان می‌کند.

تجزیه و تحلیل محیط بیرونی و داخلی: مدیریت استراتژیک همچنین شامل تجزیه و تحلیل محیط بیرونی و درونی سازمان است. این تجزیه و تحلیل به درک فرصت‌ها و

تهدیدهایی که سازمان در معرض آنها قرار دارد و همچنین نقاط قوت و ضعف آن کمک می‌کند.

تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت: پس از تجزیه و تحلیل محیط، مدیریت استراتژی شامل تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت برای سازمان است. این امر سازمان را قادر می‌سازد تا منابع و تلاش خود را در جهت دستیابی به نتایج مطلوب متمرکز کند.

تدوین استراتژی‌ها: تدوین استراتژی‌ها شامل تصمیم‌گیری در مورد اقداماتی است که سازمان باید برای دستیابی به اهداف خود اتخاذ کند. این امر شامل تصمیم‌گیری در مورد نحوه تخصیص و استفاده از منابع است.

پیاده‌سازی استراتژی‌ها: پیاده‌سازی استراتژی‌ها شامل اجرای استراتژی‌های تدوین شده است. این موضوع شامل ایجاد سیستم‌ها و رویه‌های لازم برای اطمینان از اجرای مؤثر استراتژی‌ها است.

ارزیابی عملکرد: ارزیابی عملکرد بخش کلیدی مدیریت استراتژی است. این امر مستلزم نظارت و اندازه‌گیری پیشرفت سازمان در دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت است. این مسئله به شناسایی فرصت‌های بهبود کمک می‌کند.

انواع مدیریت استراتژیک

استراتژی کسب و کار

یک استراتژی تجاری بر توسعه یک برنامه اقدام بلندمدت برای دستیابی به اهداف یک شرکت، مانند افزایش سود یا سهم بازار تمرکز دارد. این نوع استراتژی شامل تجزیه و تحلیل بازار فعلی و رقبا، ایجاد یک **چشم‌انداز استراتژیک** و تعیین اهداف کوتاه و بلندمدت است.

استراتژی شرکتی

استراتژی شرکتی یک برنامه عملی است که نحوه دستیابی شرکت به اهداف و مقاصد

خود را مشخص می‌کند. این شامل تجزیه و تحلیل محیط فعلی، شناسایی **اهداف استراتژیک** و تعیین بهترین راه برای رسیدن به آنها است.

استراتژی رقابتی

استراتژی رقابتی یک برنامه عملی است که شرکت‌ها برای برتری نسبت به رقبای خود از آن استفاده می‌کنند. این موضوع شامل تجزیه و تحلیل رقبا، شناسایی نقاط قوت و ضعف و ابداع استراتژی‌هایی برای سرمایه‌گذاری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها است.

استراتژی نوآوری

استراتژی نوآوری فرآیند توسعه محصولات، خدمات و فرآیندهای جدید است که می‌تواند به یک شرکت مزیت رقابتی بدهد. این امر شامل شناسایی **نیازهای مشتری**، ایده‌های طوفان فکری، توسعه نمونه‌های اولیه و آزمایش آنها است.

استراتژی عملیاتی

استراتژی عملیاتی بر چگونگی بهینه‌سازی منابع و فرآیندها به منظور ایجاد ارزش و دستیابی به اهداف سازمانی تمرکز دارد که شامل تجزیه و تحلیل عملیات جاری، تعیین اهداف و مقاصد و ایجاد برنامه‌هایی برای رسیدن به آن اهداف است.

مزایای مدیریت استراتژیک چیست؟

به طور کلی تصور می‌شود که مدیریت استراتژیک دارای مزایای مالی و غیرمالی است. فرآیند مدیریت استراتژی به سازمان و رهبری آن کمک می‌کند تا در مورد آینده خود فکر کرده و برای آن برنامه‌ریزی کند و مسئولیت اصلی هیئت‌مدیره را انجام دهد. مدیریت استراتژی جهت سازمان و کارکنان آن را تعیین می‌کند. برخلاف **برنامه‌های استراتژی** یک بار انجام شده، مدیریت استراتژی مؤثر به طور مستمر فعالیت‌های یک سازمان را برنامه‌ریزی، نظارت و آزمایش می‌کند و در نتیجه کارایی عملیاتی، سهم بازار و سودآوری بیشتری را به همراه دارد.

تصمیم‌گیری بهبودیافته: مدیریت استراتژی چارچوبی را برای تصمیم‌گیری بهتر با اجازه دادن به مدیران برای ارزیابی تأثیر بالقوه تصمیم‌های خود بر **اهداف استراتژیک** کلی سازمان فراهم می‌کند.

همکاری پیشرفته: مدیریت استراتژی همکاری بین بخش‌ها و عملکردها را تشویق می‌کند و به اطمینان از اینکه همه در جهت اهداف و مقاصد یکسانی کار می‌کنند، کمک می‌کند.

افزایش عملکرد سازمانی: مدیریت استراتژی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا بر حوزه‌هایی که نیاز به بهبود دارند تمرکز کنند، بهترین راه‌ها برای دستیابی به اهداف و مقاصد خود را شناسایی کنند و پیشرفت را بسنجند.

تخصیص منابع بهبودیافته: مدیریت استراتژی، سازمان‌ها را تشویق می‌کند تا با اطمینان از تخصیص منابع به مهم‌ترین حوزه‌ها، از منابع خود به نحو احسن استفاده کنند.

افزایش رضایت مشتری: مشتریان به احتمال زیاد از کسب و کاری که بر روی دستیابی به اهداف و مقاصد خود متمرکز است، راضی هستند. **مدیریت استراتژی** به سازمان‌ها کمک می کند تا مشتریان خود را بهتر بشناسند و استراتژی‌هایی را برای رفع نیازهایشان توسعه دهند.

مزایای مالی و غیرمالی مدیریت استراتژیک

مدیریت استراتژی اکنون به بخشی جدایی‌ناپذیر از هر سازمان تجاری تبدیل شده است. **تدوین استراتژی** و اجرای صحیح آن، بقای کسب و کار را در محیط رقابتی پویا تضمین می‌کند. در ادامه لیستی از مزایای مالی و غیرمالی مدیریت استراتژیک را شرح می‌دهیم.

مزایای مالی مدیریت استراتژیک

در زیر برخی از مزایای مالی مدیریت استراتژی ذکر شده است.

1. نظارت بر نقدینگی مالی

مدیریت استراتژی به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد که بر **جریان نقدینگی** نظارت داشته باشند و مطمئن شوند پولی که در دسترس دارند با اهداف بلندمدت هماهنگ است. همچنین، رهبران کسب و کار را قادر می‌سازد تا در صورت لزوم برای عملیات جاری، پول جمع‌آوری کنند.

2. درآمدزایی بهتر

مدیران ارشد ممکن است چشم‌انداز استراتژیک خود را برای در نظر گرفتن واقعیت محلی با درخواست دیدگاه‌های صادقانه و متنوع از روسای واحدهای تجاری اصلاح کنند. این روش مشارکتی و رفت و برگشتی به یک کسب و کار به مدیریت مشتریان خود کمک می‌کند و در نهایت فروش را افزایش می‌دهد، بنابراین **درآمدزایی** را به یکی از بزرگ‌ترین مزایای مدیریت استراتژی تبدیل می‌کند.

3. افزایش سهم بازار و سودآوری

این یکی از مزایای مهم مدیریت استراتژی است. با کمک مهارت‌های مدیریت استراتژی می‌توان به بازار هدف مناسب نزدیک شد. همه صنایع می‌توانند بخش‌های مصرف‌کننده، محصولات و خدمات بهتری را بررسی کنند و همچنین شرایط بازار بخشی که در آن درگیر هستند را درک کنند، در صورتی که دارای یک برنامه بسیار متمرکز و **تفکر استراتژیک** باشند.

4. از خطرات قانونی جلوگیری می‌کند

یکی از مزایای اصلی مدیریت استراتژی این است که کسب و کارها را قادر می‌سازد تا سیاست‌های کارکنان را نیز لحاظ کنند. علاوه بر این، سازمان را قادر می‌سازد تا رویه‌ها و بررسی‌های داخلی را برای رسیدگی به تضاد منافع اعضای هیئت‌مدیره و سهامداران ایجاد کند.

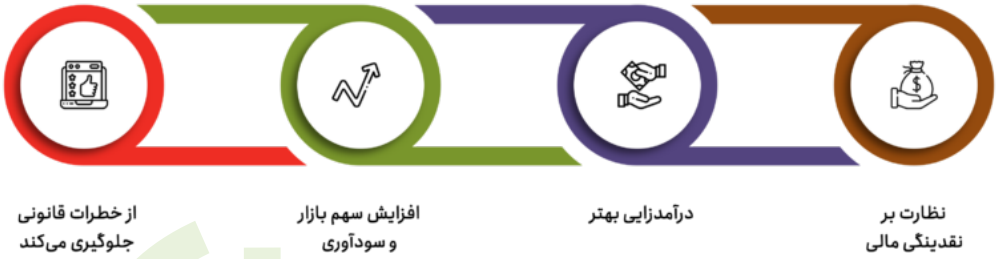

مزایای غیرمالی مدیریت استراتژیک

در زیر برخی از مزایای غیرمالی مدیریت استراتژی ذکر شده است.

1. مسئولیت‌های هیئت‌مدیره را از بین می‌برد

توجیه اولیه اکثر سازمان‌ها برای داشتن یک فرآیند مدیریت استراتژی این است که مسئولیت‌های هیئت‌مدیره را از بین می‌برد.

2. اجبار یک ارزیابی عینی

نظم و انضباط مدیریت استراتژی به هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد این توانایی را می‌دهد

که امور روزمره شرکت و سازمان را طبق نظم و برنامه پیش بروند و آینده سازمان را در نظر بگیرند.

3. تصمیمات تجاری بهتری بگیرید

یکی از مزایای کلیدی مدیریت استراتژی این است که برای هر یک از اعضای نیروی کار چارچوبی ایجاد می‌کند که در آن می‌توانند تصمیمات عملیاتی روزانه را از منظر تجاری بگیرند و بدانند که همه آنها شرکت را در یک جهت هدایت می‌کنند.

4. حمایت و پشتیبانی در صورت آگاهی

اگر به افراد اجازه داده شود در گفتگوی استراتژی شرکت کنند، هیئت‌مدیره و کارمندان می‌توانند مسیر، منطق پشت آن و مزایایی که به همراه دارد را بهتر درک کنند. در حالی که برخی از افراد حتماً باید از زیر و بم کار آگاهی داشته باشند، تا به طور کامل از آن حمایت کنند.

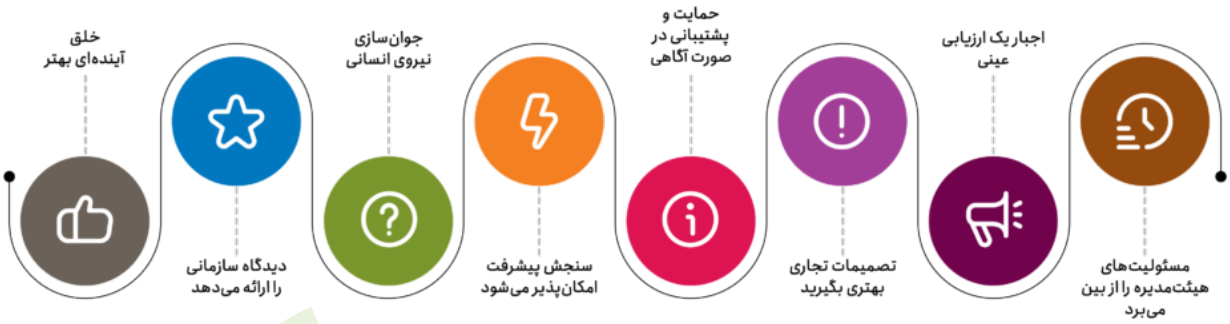

5. سنجش پیشرفت امکان‌پذیر می‌شود

امکان سنجش پیشرفت یکی از مزایای متعدد مدیریت استراتژیک است. یک سازمان باید اهداف و معیارهای موفقیت را به عنوان بخشی از فرآیند مدیریت استراتژی ایجاد کند. به منظور توسعه اهداف و حفظ این معیارهای مهم در مقابل هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد، کسب و کار باید ابتدا عواملی را که برای موفقیت مستمر آن ضروری هستند شناسایی کند.

6. جوان‌سازی نیروی انسانی

یکی از مزایای مدیریت استراتژی، اتخاذ تصمیمات استراتژیک برای **توسعه استراتژی**

استخدام بر اساس بازخورد جامع است که توانمندترین متخصصان را برای اطمینان از موفقیت و پیشرفت شرکت جذب می‌کند.

7. دیدگاه سازمانی را ارائه می‌دهد

مدیریت چالش‌های عملیاتی به ندرت وابستگی متقابل بسیاری از بخش‌های سازمان را به عنوان یک کل در نظر می‌گیرد. به منظور ایجاد یک استراتژی که برای کل شرکت بهترین باشد، مدیریت استراتژی نه تنها یک جزء، بلکه یک دیدگاه سازمانی را اتخاذ و همه اجزا و تعاملات آنها را بررسی می‌کند.

8. خلق آینده‌ای بهتر

اثربخشی سازمان شما زمانی افزایش می‌یابد که **تصمیمات استراتژیک** در عمل به کار گرفته شوند، که این یکی از برجسته‌ترین مزایای آنها است. تنظیم لحن برای کل سازمان با تصمیماتی که امروز می‌گیرید آغاز می‌شود. یک استراتژی پیشگیرانه خطرات احتمالی را کاهش می‌دهد.

معایب مدیریت استراتژیک

برخلاف مزایا، معایب زیر نیز در مدیریت استراتژی وجود دارد:

فرآیند پیچیده

چندین نوع فرآیند پیوسته که تمام اجزای اصلی حیاتی را تأیید می‌کنند، بخشی از مدیریت استراتژیک هستند. ساختار سازمانی نیز باید همراه با محیط داخلی و خارجی، اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت و **کنترل استراتژیک** منابع شرکت مورد بررسی قرار گیرد.

فرآیند زمان‌بر

مدیریت ارشد باید زمان کافی را به اجرای مدیریت استراتژی اختصاص دهد تا فرآیند به درستی انجام شود. مدیران باید زمان زیادی را برای یادگیری این مدیریت جدید، آماده شدن و آموزش کارکنان صرف کنند. امور روزانه به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و کسب و کار ممکن است از عواقب بلندمدت متحمل شود.

اجرای سخت

ارتباط کامل بین کارفرما و کارکنان برای فرآیند اجرا مورد نیاز است. **فرآیند مدیریت استراتژی** باید به گونه‌ای انجام شود که کارکنان ملزم به توجه دقیق، مشارکت فعال و مسئولیت کار خود باشند.

برنامه‌ریزی مناسب

چیزی را نمی‌توان به سادگی روی کاغذ آورد و نادیده گرفت. این امر مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و معقول است که نیاز به تلاش گروهی دارد و نمی‌تواند توسط یک فرد به تنهایی انجام شود. شما باید تعدادی از فعالیت‌های معمول تصمیم‌گیری را کنار

بگذارید که در نهایت با اعمال این نوع فرآیندها به کسب و کار آسیب می‌رساند.

بسیار مهم است که به خوبی با مزایا و معایب مدیریت استراتژیک آشنا باشید و در عین حال از مزایای آن استفاده کنید.

چرا مدیریت استراتژی مهم است؟

مدیریت استراتژی مهم است زیرا به سازمان‌ها جهت می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد تا از قبل برنامه‌ریزی کنند و اهداف تعیین کنند. همچنین به سازمان‌ها کمک می‌کند تا محیط بیرونی و چگونگی پاسخگویی به تغییرات را درک کنند.

مدیریت استراتژیک سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا عملکرد فعلی خود را ارزیابی کرده و برای بهبود آن تصمیم‌گیری کنند. علاوه بر این، داشتن یک استراتژی می‌تواند به سازمان

ها کمک کند تا رقابتی باقی بمانند و همچنین فرصت های رشد را شناسایی کنند.

در نهایت، مدیریت استراتژی می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا اهداف خود را با منابع همسو کنند و به آنها اجازه می‌دهد کارآمدتر و مؤثرتر باشند. تأثیر مدیریت استراتژی بر کسب و کار می‌تواند قابل توجه باشد. یک استراتژی مؤثر می‌تواند منجر به افزایش سودآوری، بهبود مزیت رقابتی و **روابط بهتر با مشتری** شود.

همچنین می‌تواند به جذب و حفظ کارکنان بااستعداد، شناسایی و توسعه بازارهای جدید و تضمین پایداری کسب و کار کمک کند. یک استراتژی موفق می‌تواند به بهبود کارایی، تصمیم‌گیری بهتر و روحیه بالاتر کارکنان منجر شود. به طور کلی، مدیریت استراتژی می‌تواند به کسب و کارها کمک کند تا در بازارهای مربوطه خود موفق‌تر و رقابتی‌تر شوند.

نیاز به مدیریت استراتژیک چیست؟

برنامه‌ریزی و استراتژی: مدیریت استراتژیک به تعیین ریسک‌ها و طراحی استراتژی برای رسیدگی به آنها کمک می‌کند.

دستیابی به اهداف: یکی از مزایای کلیدی مدیریت استراتژی دستیابی به اهداف سازمانی مانند رهبری، رقابت بین‌المللی، آگاهی از برند و در عین حال غلبه بر همه موانع است.

مقدمه‌ای بر ابزارها و فن‌آوری‌های جدید: مدیریت استراتژی به سازمان‌ها یا کسب‌وکارها کمک می‌کند تا با ادغام فرآیندها، ابزارها و فناوری‌های جدید، از صنعت رقابتی جلوتر باشند.

تعیین و تخصیص نقش‌ها و مسئولیت‌ها: تعیین و تخصیص نقش‌ها و مسئولیت‌ها از مزایای اصلی مدیریت استراتژی است. اجرای یک برنامه استراتژی برای اطمینان از روابط قوی کارکنان برای ارتباطات و کارایی بهتر.

مفاهیم مدیریت استراتژیک

مدیریت استراتژی مبتنی بر درک واضح سازمان از مأموریت خود است. چشم‌انداز آن برای جایی که می‌خواهد در آینده باشد. و ارزش‌هایی که اقدامات آن را هدایت می‌کند. این فرآیند مستلزم تعهد به **برنامه‌ریزی استراتژیک** است، زیرمجموعه‌ای از مدیریت کسب و کار که شامل توانایی سازمان برای تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت است. برنامه‌ریزی استراتژیک همچنین شامل برنامه‌ریزی تصمیمات استراتژیک، فعالیت‌ها و تخصیص منابع مورد نیاز برای دستیابی به آن اهداف است.

داشتن یک فرآیند تعریف‌شده برای مدیریت استراتژی‌های یک مؤسسه به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات منطقی بگیرند و اهداف جدید را به سرعت توسعه دهند تا همگام با فناوری در حال تحول، بازار و شرایط کسب‌وکار باشند. بنابراین، مدیریت استراتژیک می‌تواند به سازمان کمک کند تا مزیت رقابتی کسب کند، سهم بازار را بهبود بخشد و برای آینده خود برنامه‌ریزی کند.

سخن پایانی

مدیریت استراتژی مونتاژ و مدیریت منابع برای دستیابی به اهداف یک شرکت است. مدیریت استراتژی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا اهداف را تعیین کنند، یک امتیاز رقابتی کسب کنند، منابع خود را بهتر مدیریت کنند و موارد دیگر. اما برای همه سازمان‌ها یک نسخه وجود ندارد. شرکت‌ها باید یک فرآیند مدیریت استراتژی را ایجاد و تطبیق دهند که برای شرکت خود و کسانی که در آن خدمت می‌کنند بهترین کارایی را داشته باشد. مدیریت استراتژی با اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی‌ها پایان نمی‌یابد.

مدیریت استراتژیک یک فرآیند بسیار سودمند است که می‌تواند برای اکثر سازمان‌ها اعمال شود، با توجه به اینکه شما آن را به درستی برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنید. اگر می‌دانید چگونه از آن به نفع خود استفاده کنید، بسیار موفق خواهی بود.